

# ساده و کودکانه نویسی در آثار هوشو

پژوهشگر: نیره صفری، آموزگار پایه‌ی چهارم

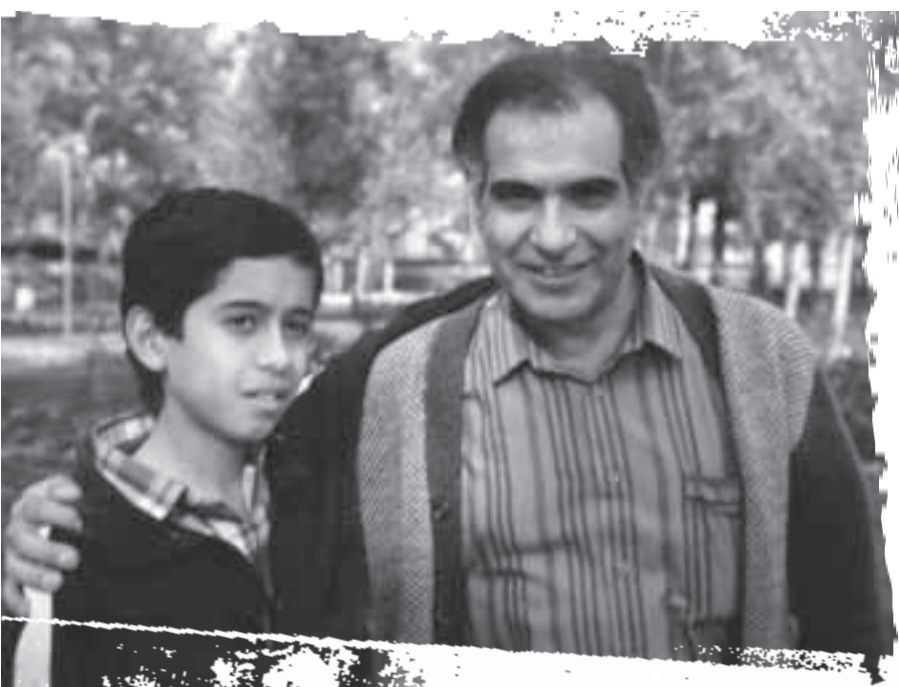
استاد راهنما: دکتر معصومه خدادادی مهاباد

چکیده‌ی پژوهشی در دوره‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی ورامین - واحد پیشوا

## اشاره

آشنا بودن آموزگاران با ادبیات کودک و نوجوان امری ضروری است و از دیرباز، همواره در تربیت معلمان بر این نکته تأکید شده است. به اعتقاد برخی کارشناسان، آموزگاری که نتواند نام و آثار ده نویسنده، ده مترجم، ده شاعر، ده تصویرگر، ده ناشر برجسته، چند نشریه‌ی شناخته شده و چند مرکز مرتبط با ادبیات کودک و نوجوان را فهرست کند، فاقد صلاحیت

تدریس برای دانش‌آموزان است. بر همین اساس، این گروه معتقدند، آموزگاران فهیم، باید از آخرین کتاب‌های منتشره برای دانش‌آموزان خود خبردار و حتی همه‌ی آن کتاب‌ها را دیده و خوانده باشند. با وجود این همه تأکید، به نظر می‌رسد برخی آموزگاران، از چنین توان‌مندی‌هایی برخوردار نیستند. به همین منظور در این شماره در صد برآمده‌ایم ضمن معرفی چکیده‌ی یک پژوهش دانشگاهی که توسط آموزگاری محترم صورت پذیرفته است، خوانندگان گرامی مجله را اندکی در این فضا قرار دهیم. همان‌طور که مستحضرید، در سلسله مطالب «بیدپا در کلاس درس» (در سال‌های قبل ازوپ و لافونتن در کلاس درس) به‌طور غیرمستقیم، در پی آشنا ساختن آموزگاران با حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان هستیم.



هوشنگ مرادی کرمانی و مجید «قصه‌های مجید»

کلیدواژه‌ها: هوشنگ مرادی کرمانی، ادبیات کودک، کودکانه‌نویسی، ساده‌نویسی، کوتاه‌نویسی.

## سرآغاز

چون که با کودک سروکار فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

مولوی

ادبیات کودک پس از انقلاب اسلامی، چهره‌های شاخصی را در شعر و داستان معرفی کرده است. یکی از نویسندگانی که در این سال‌ها نامش بر سر زبان‌هاست، هوشنگ مرادی کرمانی است که با زبان کودکانه و آن‌چنان که در بعضی آثارش پیداست، نام او را به صورت تلخیص شده «هوشو» نیز گفته‌اند. در آثار متعددی که از وی به چاپ



رسیده است، شخصیت محوری داستان‌های او را کودکان تشکیل داده‌اند و این خود ما را به این سمت سوق می‌دهد که آثار وی را در حیطه‌ی ادبیات کودک جای دهیم.

اگر کودکی مفاهیم دشوار اجتماعی، تربیتی و فرهنگی این آثار را با گوش جان می‌پذیرد، دلیل آن، هم‌پایی نویسنده با لحن و زبان اوست. در آموزش ابتدایی، ساده و کودکانه گفتن، یکی از ارکان آموزش است. بسیاری از معلمان با دانش فراوان، به دلیل رفتار و نوع کلام خاص با کودکان در سال‌های ابتدایی، از این مسئولیت سرباز می‌زنند. در این پژوهش به شکل تحلیلی به بررسی زبان و لحن در آثار مرادی کرمانی پرداخته شده است؛ ولی به دلیل حجم کمی که از سوی مجله در اختیارمان قرار گرفته، از ارائه نمونه‌های فراوان پرهیز کرده‌ایم.

## ساده‌نویسی و کودکان‌نویسی

زبانی که در آثار هوشنگ مرادی کرمانی دیده می‌شود، زبانی است که هر لحظه و دقیقه‌ی ما را تشکیل می‌دهد. زبانی که در همه‌جا از خانه و کوچه و بازار گرفته تا مدرسه با آن روبه‌رو هستیم. زبانی که می‌توان آن را در پشت نیمکت‌ها دید و در انشاهای بچه‌ها آن را حس کرد. اما گذشته از این‌ها، زبان در محور افقی و به دنبال آن در محور عمودی در داستان‌های مرادی کرمانی در هر برهه‌ای از زمان و از زبان هر شخصیتی (چه کودک و چه بزرگ‌سال) ساده و بی‌تکلف است.

درس سوم «کتاب بخوانیم» سال چهارم دبستان (سال‌های دور از خانه) نوشته‌ی مرادی کرمانی علاقه‌ی کودکان را به این نوع سبک برمی‌انگیزد. شعرهای عامیانه توجه خاص دانش‌آموزان را جلب می‌کند و در مورد آن با یکدیگر تبادل نظر می‌کنند. در بسیاری از داستان‌ها سادگی فکر کودکان نیز خود دست‌مایه‌ای برای ساده‌نویسی شده است. کودک در پی این نیست که بخواهد موقعیتی را پنهان کند. او به راحتی، هرچه هست، حتی آن‌چه را به نظر دیگران نقص و عیب است؛ به زبان می‌آورد و این خود نقش عمده‌ای در بیان ساده نوشتن یک اثر دارد.

ساده‌نویسی در حالی که باید باعث برقراری ارتباط با مخاطب شود، نباید کودک را درگیر پیچیدگی لفظها و عبارتها کند. کودکان‌نویسی باید حس کنجکاوی و استعداد مخاطبی مانند کودک را برانگیزد و در عین حال نباید منجر به سکون شود.

آموزگار نیز می‌تواند در پشت یک عبارت یا حرفی ساده، اندیشه‌ای والا و تفکری بزرگ را پنهان کند. هر چند مفهوم یک جمله شاید ساده و بی‌پیرایه باشد؛ اما کودک کنجکاو را بر آن می‌دارد که به کنکاش معانی و تفکر در آثار آن بپردازد.

کودکانه‌نویسی هرچند همراه با ساده‌نویسی است، اما تنها این روش نمی‌تواند برای کودک جذابیت ایجاد کند. کودکان‌نویسی فنون خاص خود را دارد. کودک در دنیای خود به دنبال راز و رمزهای جهان خویش است و داستان‌هایی که به عوالم و افکار او نزدیک است، می‌تواند برای او جذاب باشد. تخیلات و واقعیات هر کدام به اندازه و به‌جا می‌تواند مثمرتر باشد. اگر افراط و تفریط در هر کدام صورت بگیرد، مخاطب را از خود دور می‌کند. کودکان همان‌طور که در رؤیا سیر می‌کنند، واقعیات را هم دوست دارند.

ساده‌نویسی و کودکان‌نویسی مغایرتی با زیبایی‌نویسی ندارد. ساده‌نویسی توأم با زیبایی، مهارت خاصی می‌خواهد. سادگی و زیبایی، خود تشکیل‌دهنده‌ی دوران کودکی است. دنیای کودکان، دنیای سادگی و زیبایی است. استفاده از کلمات زیبا و عبارتهای زیبا به شیوه‌ی ساده، توانایی نویسنده را نشان می‌دهد. گاهی گروهی احساس می‌کنند پیچیدگی و دشواری و استفاده از کلمات سنگین و پرطمطراق می‌تواند بر زیبایی اثر بیفزاید. این روش شاید برای کسی که نویسنده‌ی را تجربه کرده است دشوار نباشد، اما سادگی یک اثر همراه با زیبایی‌نویسی دشواری‌های خاص خود را دارد. «فرم و پیچیدگی‌های خاص زبان بر این داستان‌ها غلبه ندارد و نیز چندان به زبان شاعرانه و صنعت کلامی نزدیک نیستند، هر چند در ذات ماجرا، حسی شاعرانه مستتر است.» (قوکاسیان: ۱۵۰)

«درویش، شب مهتاب، سرو، صدای نی، صدای جویبار و جیرجیرک‌ها و زمزمه‌ی نرم باد زیر گوش سرو مثل خواب بود، مثل خیال، مثل قصه.» (نخل: ۲۰)

## کوتاه‌نویسی

«یکی دیگر از شگردهای خاصی که توجه مخاطب را در محور افقی زبان جلب می‌کند و در نتیجه به بار معنایی در محور عمودی اثر می‌افزاید، کاربرد جملات کوتاه است.» (سلاجقه: ۳۷)





کوتاهی جملات توجه کودک را جلب می‌کند، زیرا کودک با جملات طولانی و اطناب در متن خسته و دل‌زده می‌شود و گاهی نمی‌تواند مفاهیم را به هم ارتباط دهد. ایجاز در جملات، ذهن فراگیر کودک را آماده برای دریافت مفاهیم پیچیده می‌کند. گاهی حتی مخاطب بزرگسال نیز از طولانی بودن جملات سردرگم می‌شود و در راه خواندن یک اثر دچار خستگی شده و آن را رها می‌کند.

جملات کوتاه به علت آهنگین بودن به شعر نزدیک‌تر می‌شود و کودک صدای گوش‌نواز این عبارتها را حس می‌کند.



**کلمات گفتاری و محاوره‌ای**

به‌کارگیری شکل گفتاری کلمات به جای شکل نوشتاری نیز بر سادگی زبان آثار مرادی کرمانی می‌افزاید. این روش به زبان کودکان نزدیک‌تر است و کلام و متن را برای کودکان قابل ادراک و فهم می‌کند. استفاده از کلمات به شکل گفتاری در اکثر آثار حوزه‌ی ادبیات کودک جایگاهی خاص دارد. مرادی کرمانی از جمله‌ی نویسندگانی است که از این امر بی‌بهره نمانده است و شاید بیشترین کاربرد از شکل گفتاری کلمات در آثار او دیده می‌شود.

نمونه‌ای از این ویژگی را از داستان «عاشق کتاب» که در «بخوانیم» کلاس پنجم به عنوان روان‌خوانی وجود دارد، بازگو می‌کنیم.



«گفتم: ممکنه بفرمایین بقیه‌ی صفحات کتاب را به چه کسی دادین؟...» (قصه‌های مجید: ۱۷)

در شکل گفتاری، اسلوب و چیدمان جملات نیز به هم می‌خورد و فعل و فاعل در جای همیشگی استفاده نمی‌شوند. این روش در ساده‌نویسی و کودکانه‌نویسی شگردی سازنده است. بسیار اتفاق افتاده است که کودکان از همان دوران ابتدایی که شروع به انشا نوشتن می‌کنند، خواستار استفاده از این روش هستند و با استفاده از این راه بهتر می‌توانند مطالب و مفاهیم خود را بیان کنند. پس اگر قصه و داستانی با استفاده از این روش نوشته شود، برای آن‌ها جذاب‌تر است.

«یه مشت خرما می‌ریزم تو جیبم و برو مدرسه.» (شما که غریبه نیستید: ۹۷)

## نتیجه‌گیری

هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده‌ای است که با زبان ساده و بی‌پیرایه و سبک خاص، توانسته است حتی با ظهور نویسندگان بی‌شمار، در بین مخاطبان جایگاه ویژه‌ای پیدا کند و مخاطبان وی از کودک و نوجوان تا بزرگسال می‌توانند با آثار او ارتباط برقرار کنند. شاید اثری خاص از بین کتاب‌های او جذاب‌تر بنماید، که این امری طبیعی است؛ اما از لایه‌لای هر اثر می‌توان نکات قابل توجهی را کشف کرد.

آموزگاری نیز در حیطه‌ی ابتدایی قوانین خاص خود را می‌طلبد. تجربه نشان داده است که کودکان به آموزگاری که هم‌کلام آن‌ها باشد، تمایل بیشتری نشان می‌دهند.

مرادی کرمانی کوتاه‌نویسی و ساده‌نویسی را روشی برای به نمایش گذاشتن اندیشه‌های ملی و ایرانی و دیدگاه‌های فرهنگی و اجتماعی کرده است. شاید اگر این افکار با پیچیدگی و دشواری همراه بود، این قدر توجه مخاطبان به‌خصوص کودکان را جلب نمی‌کرد.

آثار مرادی کرمانی در عین ساده بودن، ذهن خواننده را به تعمق و تحلیل وامی‌دارد و ساده‌نویسی آثار وی با زیبانویسی مغایرت ندارد. تصویرسازی نیز خود سبب می‌شود که آثار وی همان‌طور که مورد توجه فیلم‌سازان قرار می‌گیرد، کودکان را نیز به سمت خود بکشد؛ زیرا تصاویر و توصیف‌ها، مانند فیلم از جلوی چشمان مخاطب می‌گذرد و مفاهیم را به شکل دیداری درآورده و آسان جلوه می‌دهد. این شیوه‌ی خاص در نگارش قصه و داستان سبکی جدید را به وجود می‌آورد که می‌تواند راهنمای آموزگاران در تقابل گفتار و نوشتار با کودکان باشد.

فهرست منابع

۱. سلاجقه، پروین، صدای خط خوردن مشق، ۱۳۸۳، تهران.
۲. قوکاسیان، زاون، هوشو، قصه‌ها، فیلم‌ها، ۱۳۸۴، اصفهان.
۳. مرادی کرمانی، هوشنگ، شما که غریبه نیستید، ۱۳۸۷، تهران.
۴. \_\_\_\_\_، قصه‌های مجید، ۱۳۸۷، تهران.
۵. \_\_\_\_\_، نخل، ۱۳۸۷، تهران.